

همه‌ی خیابان‌های انقلاب

زمان می‌گذرد، اما مکان‌ها یادآور روزها و تاریخ‌ها می‌مانند. بی‌مناسبت نیست اگر در این‌روزها نگاهی به بعضی از مکان‌های تاریخی انقلاب بیندازیم که حالا بعد از گذشت ۳۵ سال، ظاهرشان با آن‌روزها تفاوت کرده، اما هنوز خاطرات زیادی را در خود جای داده‌اند.



زمان می‌گذرد، اما مکان‌ها یادآور روزها و تاریخ‌ها می‌مانند. بی‌مناسبت نیست اگر در این‌روزها نگاهی به بعضی از مکان‌های تاریخی انقلاب بیندازیم که حالا بعد از گذشت ۳۵ سال، ظاهرشان با آن‌روزها تفاوت کرده، اما هنوز خاطرات زیادی را در خود جای داده‌اند.

ساختمان خاطره‌ها

این‌جا ابتدای زیرگذر آزادی است؛ سر شادمان. این ساختمان معروف را همه می‌شناسند. این‌جا از هرکسی آدرسش را بپرسی، می‌گوید: «می‌شناسم سر شادمان است، ابتدای زیرگذر...»
ساختمان نیمه‌کاره‌ی آن‌روزها، حالا یک ساختمان اداری شده و نامش ساختمان ۱۱۰ آزادی است. این‌جا همان ساختمان نیمه‌کاره‌ای است که روزهای انقلاب پر از مردم بود.
سرایدار ساختمان می‌گوید: «همه‌ی ساکنان این ساختمان می‌دانند کجا هستند. همه می‌دانند این همان ساختمان عکس‌های معروف زمان انقلاب است.»

خیابان آزادی، سر شادمان

جایی که عطر لاله پیچید

برای من این‌جا از همه غمگین‌تر است؛ خیابان ۱۷ شهریور، میدان شهدا، که در آن دیگر خبری از مجسمه‌ی لاله‌های سرخ نیست، اما هنوز بوی خون می‌دهد!

وقتی با خواهر یکی از کشته‌شدگان آن‌روز صحبت کردم، فهمیدم مردانی که آن‌روز برای راهپیمایی و برپایی نماز جمعه به [میدان ژاله](#) رفته بودند، چنین کشتاری را باور نمی‌کردند...

«علی‌محمد نورایی»، ۲۸ ساله، یکی از آن شهداست. او ساکن خیابان ۱۷ شهریور و محله‌ی غیائی بوده و حالا در قطعه‌ی ۱۷ [بهشت زهرا](#)، بین ردیف کاج‌های سوزنی آرمیده است. خواهرش می‌گوید که برای تنها برادرش مجلس ختم هم نگرفتند و موقع خاک‌سپاری ماشین‌های نظامی دور قطعه گشت می‌زدند. او گفت که یک تیر از پشت سر به قلب علی‌محمد خورده بود. از تعداد شهدای میدان ژاله، آمار دقیقی در دسترس نیست.

ضلع شمالی میدان شهدا

لاله‌زار، تقاطع انقلاب

لحظه‌ی دیدار

این‌جا مدرسه‌ی علوی است در خیابان ایران. جایی که امام خمینی‌ره بعد از بازگشت از تبعید، در آن‌جا اقامت موقت داشت. این مدرسه در حال حاضر دبستان علوی شماره‌ی ۲ نام دارد. آن‌روزها مردم به سوی این مدرسه روان بودند تا امام خمینی‌ره را از نزدیک ببینند؛ تا باورش‌شان بشود که ایشان برگشته‌اند.

مدرسه‌ی علوی

همه به خیابان‌ها ریخته بودند!

دیگر کسی در خانه نمی‌ماند! مادر یکی از شهدا که روز ۲۱ بهمن سال ۵۷ فرزندش را از دست داده، می‌گوید که در ماه بهمن ۵۷ پسر من دیگر در خانه نمی‌ماند، هرچند بورسیه گرفته بود و قرار بود برای ادامه‌ی تحصیل از ایران برود، اما نرفت. می‌خواست ببیند تکلیف چه می‌شود و ندید! ۲۲ بهمن و پیروزی را ندید. اما آن‌روز که به خانه سر زد گفت که مادر دیگر تمام شده، همه‌ی مردم در خیابان‌ها هستند! ما می‌رویم دانشگاه و برمی‌گردیم... و برنگشت!

دانشگاه تهران

نام میدان عوض شد

رویدادهای انقلاب مثل زنجیر به هم وصلند حلقه‌ها کم‌کم تکمیل می‌شود.
راهپیمایی بعد از نماز عید فطر، از تپه‌های قیطریه آغاز شد. هنگام نماز ظهر به پیچ شمیران رسید. تمام مسیر نیروهای مجهز به سلاح‌های سبک، مسلسل و گاز اشک‌آور در اطراف مردم بودند. سرانجام جمعیت به راه خود ادامه داد. در میدان شهید که همان روز عید فطر، «آزادی» نام گرفت قطعنامه‌ی راهپیمایی قرائت شد. نمای میدان آزادی بعد از ۳۵ سال تغییر کمی کرده که چندان به چشم نمی‌آید.

راهپیمایی ساعت هشت و نیم شب، حدود دوازده ساعت پس از آغاز، تمام شد، در حالی که مردم خطاب به هم فریاد می‌زدند «فردا، هشت صبح، میدان ژاله باشیم»؛ این زنجیره داشت به ۱۷ شهریور می‌رسید!

میدان آزادی

پی‌نوشت:

* متأسفانه نام عکاسانی که عکس‌های سال ۱۳۵۷ را گرفته‌اند پیدا نکردیم. امیدواریم ما را ببخشند که عکس‌هایشان را بدون درج نام عکاس منتشر می‌کنیم.

* زحمت عکس‌های جدید میدان فردوسی و پل کالج را محمود اعتمادی و زحمت بقیه‌ی عکس‌های سال ۱۳۹۲ را مهدی بیات کشیده‌اند.